

الگوی نقش مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی در رضایت از زندگی و رضایت زناشویی در همسران ایثارگران شهر کرد

محسن گل پرور*

دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، ایران

مریم قاسمی

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، ایران

محمد رضا مصاحبی

مری دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، ایران

چکیده

در این پژوهش الگوی ساختاری رابطه مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی با رضایت از زندگی و رضایت زناشویی در همسران ایثارگران شهر کرد بررسی شد. جامعه آماری پژوهش همسران ایثارگران شهر کرد بودند که از میان آن‌ها ۳۵۴ نفر به شیوه تصادفی نظامدار انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی (مک‌گی، ۲۰۱۱)، پرسشنامه رضایت از زندگی (داینر و همکاران، ۱۹۸۵) و پرسشنامه رضایت زناشویی (سلیمانان، ۱۳۷۳) بودند. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و الگوسازی معادله ساختاری (SEM) تحلیل شد. نتایج حاصل از الگوسازی معادله ساختاری (SEM) نشان داد که امیدواری و جهت‌گیری به زندگی با رضایت از زندگی دارای رابطه مستقیم و خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری، جهت‌گیری به زندگی همراه با رضایت از زندگی با رضایت زناشویی رابطه مستقیم و معنادار دارند. همچنین نتایج نشان داد که رضایت از زندگی متغیر واسطه‌ای پاره‌ای در رابطه امیدواری و جهت‌گیری به زندگی با رضایت زناشویی است. به عبارت دیگر امیدواری و جهت‌گیری به زندگی بخشی از اثرات خود را به رضایت زناشویی از طریق رضایت از زندگی انجام می‌دهند.

واژگان کلیدی

سرمایه روان‌شناختی؛ رضایت از زندگی؛ رضایت زناشویی؛ همسران ایثارگران

* نویسنده مسئول

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۹/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۱

مقدمه و بیان مسئله

سرمایه روان‌شناختی^۱ جنبه مثبت زندگی انسان‌ها و مبتنی بر درک شخصی خود، داشتن هدف برای رسیدن به موفقیت و پایداری در برابر مشکلات است (سلیگمن^۲، ۲۰۰۲). نظریه پردازان سرمایه روان‌شناختی طی سال‌های گذشته به دنبال شناسایی و فهم ویژگی‌های شخصی و ایده‌آل بوده‌اند که به بهزیستی روان‌شناختی و ارتقاء افراد و جامعه کمک می‌کند (اسنایدر و لوپز^۳، ۲۰۰۲؛ بندورا^۴، ۲۰۰۸؛ اوی، لوتانز و ینسن^۵، ۲۰۰۹؛ اوی، لوتانز و یوسف^۶، ۲۰۱۰). تاکنون چهار مؤلفه اصلی شامل خودکارآمدی^۷ (با تأکید بر تعهد و تلاش برای موفقیت در کارها و وظایف چالش برانگیز)، خوش‌بینی^۸ (مثبت‌نگری، مبتنی بر اسناد مثبت درباره موفقیت‌های حال و آینده)، امیدواری^۹ (نشان دادن مقاومت در راه رسیدن اهداف و تغییر مسیر دستیابی به اهداف) و تاب‌آوری^{۱۰} (انعطاف‌پذیری و پایداری در زمان مواجهه با سختی‌ها و مشکلات) معرفی شده است (حمید، ۱۳۸۹). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی، با طیف متنوعی از متغیرهای عملکردی در موقعیت‌های مختلف، تعهد و رضایت، اضطراب، توانایی مقابله با فشار روانی، شادکامی و بهزیستی رابطه دارند (پترسون و بایرون^{۱۱}، ۲۰۰۷؛ اوی، لوتانز، اسمیت و پالمر^{۱۲}، ۲۰۱۰؛ یوکول-گانیرون^{۱۳}، ۲۰۱۲؛ بایرامی، هاشمی، علی‌زاده، دانش‌فر، حشمتی و همکار^{۱۴}، ۲۰۱۲). پژوهش‌هایی معطوف به تعیین نقش مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی برای شادکامی، رضایت و بهزیستی در ابعاد مختلف به صورت

1. Psychological capital
2. Seligman
3. Snyder & Lopez
4. Bandura
5. Avey, Luthans & Jensen
6. Youssef
7. Self - efficiency
8. Optimism
9. Hope
10. Flexibility/Elasticity
11. Peterson & Byron
12. Avey, Luthans, Smith & Palmer
13. Ucol-Ganiron
14. Bayrami, Hashemi, Alizadeh, Daneshfar & Heshmati et al



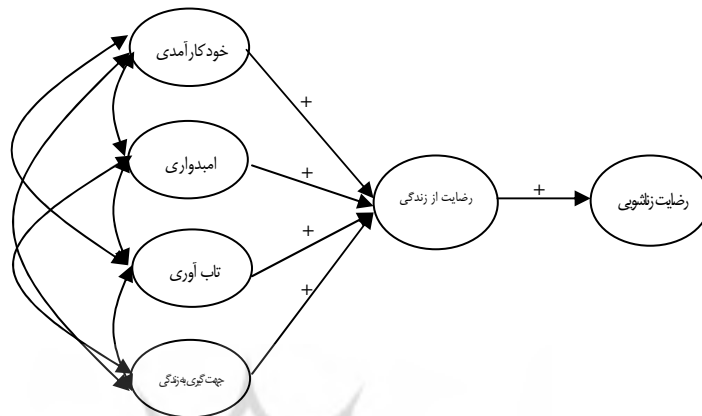
بلقوه دارای این هدف بوده‌اند تا زمینه ارتقاء کیفی زندگی بشر را فراهم کنند. بر همین مبنا در این پژوهش الگویی در خصوص رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی با رضایت از زندگی^۱ و رضایت زناشویی^۲ در همسران ایثارگران (شکل ۱) معرفی شده است. این الگو بر پایه نظریات و یافته‌های پژوهشی که در پی خواهد آمد برای اولین بار در این پژوهش تدوین و معرفی شده است.

بر اساس الگوی ارائه شده در شکل ۱، رضایت از زندگی، یک سازه کلان نگرشی (به این مفهوم که در این سازه رضایت از کلیت زندگی مطرح است نه از حوزه‌ای خاص و محدود نظیر شغل، خانواده و روابط زناشویی) اولین متغیری است که با مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی دارای رابطه فرض شده است. رضایت از زندگی یک مفهوم ذهنی و منحصر به فرد برای هر انسانی و عنصر اصلی بهزیستی ذهنی^۳ است. این پدیده شامل ارزیابی کلی از زندگی و مبتنی بر قضاوت فردی است، که طی آن بین ملاک‌های شخص با شرایط زندگی واقعی مقایسه انجام می‌شود. هر چه واقعیت زندگی با ملاک‌های فرضی فرد به هم نزدیک باشند، شخص از زندگی خود احساس رضایت بیشتری می‌کند (دلیچ، گیلارد و ون‌دام^۴، ۲۰۱۰). شواهد پژوهشی نشان داده که رضایت از زندگی توانایی فرد را برای عملکرد بهتر در زندگی و نقش‌های اجتماعی پیش‌بینی می‌کند. همچنین رضایت از زندگی، رضایت از کار و موفقیت تحصیلی را پیش‌بینی و با بهزیستی و شادکامی دارای رابطه است (فریش^۵، ۱۳۸۹). داینر، سو و لوکاس^۶ (۱۹۹۹) معتقد هستند که بخش عمده‌ای از رضایت از زندگی مبتنی بر مؤلفه‌های بهزیستی و شادکامی نظیر عاطفه مثبت و فقدان عاطفه منفی است. نظریه‌پردازان شناختی نیز رضایت از زندگی را بر پایه فرایند مقایسه شناختی تعریف کرده‌اند (داینر، امونز، لارسن و گریفین^۷، ۱۹۸۵). شواهد پژوهشی نشان داده‌اند که مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی با رضایت از زندگی دارای رابطه هستند. احدی، ابوالقاسمی، نریمانی و آسیایی (۱۳۸۸) در

1. Life satisfaction
2. Marital satisfaction
3. Subjective well-being
4. Delahajj, Gaillard & Van Dam
5. Ferish
6. Diener, Suh, & Lucas.
7. Diener, Emmons, Larsen & Griffin

پژوهشی نشان دادند که خودکارآمدی با رضایت از زندگی دارای رابطه مثبت است و می‌تواند آن را پیش‌بینی کند. یوکول-گانیرون (۲۰۱۲) نیز در پژوهشی بین سرمایه روان‌شناختی و رضایت از زندگی رابطه معنادار گزارش کرده است. نگاهی به زندگی انسان از نظر روان‌شناختی نشان می‌دهد که رضایت از کلیت زندگی تنها یکی از نگرش‌های مثبت معطوف به شادکامی و بهزیستی است. به معنای دیگر در کنار رضایت از زندگی، رضایت از ابعاد جزئی‌تر زندگی، نظیر رضایت از شغل، تحصیل، خانواده و روابط زناشویی نیز مطرح است. در هر فضایی یکی از این ابعاد رضایت دارای اهمیت بیشتری می‌شود. رضایت از روابط زناشویی در محیط خانواده برای همسران از زمره مواردی است که اهمیت ویژه‌ای دارد. چنان که در الگوی ارائه شده در شکل ۱ مشخص است، پس از ارتباط بین مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی با رضایت از زندگی، رابطه بین رضایت از زندگی با رضایت زناشویی مطرح می‌شود.

رضایت زناشویی حالتی است که در آن زن و شوهر در اینکه با یکدیگر هستند احساس خوشبختی و رضایت می‌کنند. روابط رضایت‌بخش از طریق توجه به علایق متقابل، مراقبت از یکدیگر و ارضای نیازها، پذیرش و تفاهم با یکدیگر مشهود است (بخشایش و مرتضوی، ۱۳۸۸). این بعد از رضایت، یک ارزیابی کلی از وضعیت رابطه زناشویی یا رابطه عاشقانه کنونی فرد است و می‌تواند انعکاسی از میزان شادی افراد از روابط با همسر به واسطه بسیاری از عوامل اختصاصی رابطه زناشویی باشد (امان‌الهی، اصلانی، تشکر، غوابش و نکویی، ۱۳۹۱؛ موسوی‌زاده، سهرابی و احدی، ۱۳۹۱). از طرف دیگر می‌توان رضایت زناشویی را به‌عنوان یک حالت روان‌شناختی در نظر گرفت که خود به خود به وجود نمی‌آید، بلکه مستلزم تلاش هر دو زوج است (پورافشار، احمدی‌نوده و الیاسی، ۱۳۸۸). از دید بسیاری از صاحب‌نظران رضایت و سازگاری در ازدواج، یعنی احساس شادمانی، احساس رضایت و ارضای نیازهایی است که به‌طور متقابل برآورده می‌شوند. زوج‌های سازگار، زن و شوهرهایی هستند که توافق زیادی با یکدیگر دارند، از روابط خود راضی هستند، از نوع کیفیت گذراندن اوقات فراغت خود با یکدیگر رضایت دارند و در مدیریت وقت و مسائل مالی هماهنگی لازم را دارند (اونی‌یشی، سوروکوو، سوروکوو و پی‌پی‌تونن^۱، ۲۰۱۲).



شکل ۱: الگوی مفهومی اولیه پژوهش در باب رابطه متغیرها

گذشته از معرفی متغیرها، سؤال محوری در این قسمت این است که بر پایه کدام مبانی نظری سرمایه روان‌شناختی با رضایت از زندگی و رضایت زناشویی ارتباط برقرار می‌کند. معروف‌ترین بنیان نظری درباره پیوند یافتن مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی با رضایت از زندگی و سپس رضایت زناشویی، نظریه منابع روان‌شناختی^۱ است (هابوفول^۲، ۲۰۰۲؛ لوتانز، اولیو، اوی و نورمن^۳، ۲۰۰۷). بر اساس این نظریه، مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی بیش از آن‌که یک سازه سطحی با کارکردهای جزئی در سطح رفتار و شناخت انسان‌ها باشند، منبعی پایه، محوری و بسط‌پذیر هستند که در تمامی لحظات برای عمل در موقعیت‌های مختلف با فرد همراهی می‌کنند و سپس احساس شادکامی، رضایت و موفقیت را به وجود می‌آورند (هابوفول، ۲۰۰۲). چنین توان تعمیم‌یافته‌ای برای سرمایه روان‌شناختی، این سازه را در موقعیتی قرار می‌دهد تا بتواند رضایت از زندگی و رضایت از روابط زناشویی را تحت تأثیر قرار دهند. همچنین از دیدگاه نظریه منابع روان‌شناختی، نقش سرمایه روان‌شناختی در رضایت از زندگی و رضایت زناشویی در کارکردهای عاطفی و شناختی این پدیده نیز ریشه دارند (یوسف و لوتانز، ۲۰۰۷). مطالعات خانواده‌ها نشان داده که افراد دارای سرمایه روان‌شناختی بالا نه تنها در

1. Psychological resource theory
2. Hobfoll
3. Norman

برابر مشکلات مقاومت و پشت‌کار بیشتری به خرج می‌دهند، بلکه به دلیل تسلط فضای عاطفی - شناختی مثبت ذهنی اغلب راه‌حل‌های سازنده‌تری را نیز برای حل مشکلات پی‌جویی و به مرحله اجرا در می‌آورند (لوتانز، اوی و پاترا^۱، ۲۰۰۸؛ رنشو، بلیس و اسمیت^۲، ۲۰۱۰).

ساز و کار نظری دیگر درباره رابطه بین سرمایه روان‌شناختی با رضایت از زندگی و به دنبال آن با رضایت زناشویی به این مسئله باز می‌گردد که مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی، کارکردها و اعمال انسان را از طریق فرایندهای شناختی، انگیزشی، هیجانی و گزینشی تنظیم می‌کنند. برای نمونه افرادی با سرمایه روان‌شناختی نیرومند، در مدیریت چالش‌های پیرامون خود کاردانی شناختی، انعطاف‌پذیری و اثربخشی راهبردی بیشتری نشان می‌دهند و برای نظم‌بخشی به زندگی چشم‌انداز آینده را مدنظر قرار می‌دهند. در سطح انگیزشی نیز افرادی که دارای سرمایه روان‌شناختی نیرومندی هستند، اهداف چالش‌انگیزی را برای خود در نظر می‌گیرند، انتظار نتایج مثبت را دارند، شکست‌ها را به جای اینکه به عوامل کنترل‌ناپذیر مانند ناتوانی نسبت دهند، آن‌ها را به تلاش ناکافی، راهبردهای نارسا یا شرایط نامساعد نسبت می‌دهند و موانع را قابل رفع می‌بینند (کار، ۱۳۸۵).

از چنین منظری کاملاً طبیعی است که در عرصه زندگی و به دنبال آن در عرصه روابط زناشویی نیز همسران دارای سرمایه روان‌شناختی بالاتر به خوبی و با کارآمدی از پس مشکلات زندگی و تعارضات بین‌فردی با همسران خود برآمده و از این طریق سطح رضایت از زندگی و رضایت زناشویی خود را ارتقاء بخشند. مروری بر پژوهش‌های انجام شده در ایران در عرصه رضایت زناشویی نشان می‌دهد که تاکنون این پدیده از منظر رابطه با متغیرهای متعدد بررسی شده (ناطقیان، ملازاده، گودرزی و رحیمی، ۱۳۸۷؛ قلی‌زاده، برزگری، غریبی و باباپور خیرالدین، ۱۳۸۹)، ولی در حوزه نقش رضایت از زندگی و سرمایه روان‌شناختی و مؤلفه‌های آن بر این پدیده در سطح روابط زوج‌ها با یکدیگر چندان توجه نشده است. این در حالی است که پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که هر یک از مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی زمینه‌سازهای اصلی شادکامی و رضایت از زندگی هستند. برای نمونه پژوهشگرانی نظیر

-
1. Patera
 2. Renshaw, Blais & Smith



لارسن^۱ و لوتانز (۲۰۰۶)، نلسون و کوپر^۲ (۲۰۰۷)، رنشو و همکاران (۲۰۱۰) و دلیچ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش‌های خود نشان داده‌اند که سرمایه روان‌شناختی با رضایت از زندگی و شغل و احساس سلامتی و بهزیستی رابطه معنادار دارند.

در پایان باید گفت به واسطه کمبود پژوهش‌هایی که نقش سرمایه روان‌شناختی بر رضایت از زندگی و رضایت زناشویی در میان اقشار خاص مانند همسران ایتارگران را بررسی کرده باشد و از طرفی نوین بودن پدیده سرمایه روان‌شناختی و تأثیرات مثبت آن بر عملکرد خانواده، در این پژوهش رابطه مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی با رضایت از زندگی و رضایت زناشویی در میان همسران ایتارگران در قالب یک الگوی مفهومی سه سطحی بررسی شد تا دانش نظری و پژوهشی مربوط به پیامدهای سرمایه روان‌شناختی در سطح خانواده‌ها در ایران افزایش یابد. در همین مسیر نیز سؤال اصلی پژوهش حاضر این بود که آیا الگوی ساختاری رابطه مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی (خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و جهت‌گیری به زندگی) با رضایت از زندگی و رضایت زناشویی بین همسران ایتارگران دارای برازش مطلوبی با داده‌ها است یا خیر؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش همبستگی و جامعه آماری آن کلیه همسران ایتارگران در شهرستان شهرکرد در پاییز سال ۱۳۹۱ بودند. این جامعه آماری با توجه به نقش خطیر و سازنده همسران در خانواده‌های ایتارگران و اینکه تاکنون کم‌تر نسبت به شرکت دادن آن‌ها توجه شده، برای مطالعه انتخاب شده‌اند. از جامعه آماری مورد اشاره، بر پایه جدول تناسب حجم نمونه با حجم جامعه آماری (حسن‌زاده، ۱۳۸۱)، ۳۷۰ نفر برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. نمونه پژوهش از طریق نمونه‌گیری تصادفی نظام‌دار بر اساس فهرست موجود در بنیاد شهید شهرستان شهرکرد انتخاب شدند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، ۱۶ پرسشنامه (معادل ۴/۳٪) به دلیل نقص در پاسخگویی حذف گردید و گروه نمونه پژوهش به ۳۵۴ نفر کاهش یافت. دامنه نوسان سنی همسران ایتارگران در پژوهش حاضر ۸۲-۳۲ سال بود. از ابزارهای زیر برای

-
1. Larsen
 2. Nelaon & Cooper

سنجش متغیرها استفاده شد.

پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی: سرمایه روان‌شناختی از طریق پرسشنامه بیست و شش سؤالی مک‌گی^۱ (۲۰۱۱) با چهار خرده‌مقیاس خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و جهت‌گیری به زندگی و مقیاس پاسخ‌گویی شش درجه‌ای (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۶) اندازه‌گیری شد. مک‌گی (۲۰۱۱) روایی و پایایی این پرسشنامه را به‌طور گسترده و وسیعی بررسی و شواهد مطلوبی از آن‌ها ارائه کرده است. این پرسشنامه را گل‌پرور (۱۳۹۰) در ایران ترجمه و آماده اجرا کرده و روایی صوری و محتوایی آن را چند متخصص تأیید کردند (گل‌پرور، ۱۳۹۰). تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش واریماکس روایی سازه این پرسشنامه با همان چهار عامل به‌دست داده است (گل‌پرور، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و جهت‌گیری به زندگی به ترتیب برابر با ۰/۸۶، ۰/۸۴، ۰/۷۲ و ۰/۶ به‌دست آمد.

پرسشنامه رضایت از زندگی: این مقیاس را داینر و همکاران (۱۹۸۵) تهیه کردند و شامل پنج سؤال است. مقیاس پاسخ‌گویی این پرسشنامه هفت گزینه‌ای است (کاملاً موافق=۷ تا کاملاً مخالف=۱). نسخه‌ای از این مقیاس را بیانی، کوچکی عاشور و گودرزی (۱۳۸۶) به فارسی ترجمه کرده و برای آن پایایی به روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی به ترتیب برابر با ۰/۸۳ و ۰/۶۹ گزارش کرده است. هم‌چنین روایی سازه پرسشنامه از طریق روایی همگرا با استفاده از سیاهه شادکامی آکسفورد^۲ (OHI) برابر با ۰/۷۱ و پرسشنامه افسردگی بک (BDI) برابر با ۰/۵۹ گزارش شده است (سلیمانیان و فیروزآبادی، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر با ۰/۸۷ به‌دست آمد.

سیاهه زناشویی انریچ^۳: برای سنجش رضایت زناشویی از پرسشنامه معرفی شده توسط اولسون (۱۹۸۹) به نقل از سلیمانیان، (۱۳۷۳) استفاده شد. فرم کوتاهی از این پرسشنامه با چهل و هفت سؤال توسط سلیمانیان (۱۳۷۳) همراه با شواهدی مطلوب از روایی همزمان آن در

1. Mac Gee

2. Oxford Happiness Inventory

3. Evaluating & Nurturing Relationship Issues, Communication, Happiness (ENRICH)



ایران ارائه شده است. این پرسشنامه فرم کوتاه شامل خرده مقیاس‌های پاسخ قراردادی، رضایت زناشویی، مسائل شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندان و فرزندپروری، خانواده و دوستان، نقش‌های مساوات‌طلبانه و جهت‌گیری مذهبی است (به نقل از فهیمی، ۱۳۸۰) و مقیاس پاسخ‌گویی آن پنج گزینه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) است. اولسون (۱۹۸۹) به نقل از سلیمانیان، (۱۳۷۳) آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۲ و سلیمانیان و محمدی (۱۳۸۸) نیز آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۱ را برای این پرسشنامه گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ کل پرسشنامه رضایت زناشویی برابر با ۰/۹۵ به دست آمد.

تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و الگوسازی معادله ساختاری^۱ (SEM) انجام شد. تحلیل‌های انجام شده با استفاده از نرم‌افزار بسته آماری برای علوم اجتماعی (SPSS^۲) و نرم‌افزار تحلیل ساختارهای گشتاوری (AMOS^۳) انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

در جدول ۱، میانگین، انحراف معیار و همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار و همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵
۱ خودکارآمدی	۴/۴	۰/۷۶	-				
۲ امیدواری	۴/۴	۰/۸۱	۰/۷**	-			
۳ تاب‌آوری	۴/۴۳	۰/۷۷	۰/۶۴**	۰/۶۷**	-		
۴ جهت‌گیری به زندگی	۴/۱۶	۰/۷۳	۰/۵۴**	۰/۶۲**	۰/۵۲**	-	
۵ رضایت از زندگی	۴/۵۹	۱/۴۲	۰/۵۱**	۰/۶۳**	۰/۴۳**	۰/۶۱**	-
۶ رضایت زناشویی	۳/۵	۰/۶۲	۰/۵۲**	۰/۶**	۰/۳۳**	۰/۴۷**	۰/۶۷**

** P < ۰/۰۱

1. Structural Equation Modeling
2. Statistical Package for Social Science
3. Analysis of Moment Structures

چنان‌که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری، جهت‌گیری به زندگی با رضایت زندگی و با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری ($p < 0/01$) دارند. پیش از ارائه نتایج مربوط به الگوی نهایی پژوهش افزودن این نکته الزامی است که الگوی پیشنهادی اولیه (شکل ۱ را نگاه کنید) با استفاده از الگوسازی معادله ساختاری بررسی شد. یک الگوی مناسب از لحاظ شاخص‌های برازش باید دارای خی‌دو غیرمعنادار، نسبت خی‌دو به درجه آزادی کم‌تر از ۲، شاخص نیکویی برازش^۱ (GFI) و شاخص برازش تطبیقی^۲ (CFI) - بیشتر از ۰/۹۵، شاخص برازش افزایشی^۳ (IFI) بزرگ‌تر از ۰/۹، ریشه میانگین مجذورات باقیمانده^۴ (RMR) کوچک‌تر از ۰/۰۵ و تقریب ریشه میانگین مجذورات خطا^۵ (RMSEA) کوچک‌تر از ۰/۰۸ باشد (میرز، گامست و گوارینو، ۲۰۰۶) باشد. با توجه به آن چه بیان شد، خی‌دو مدل پیشنهادی اولیه برابر با ۵۵/۹۵ و معنادار ($p < 0/01$)، نسبت خی‌دو به درجه آزادی برابر با ۱۳/۹۹، GFI برابر با ۰/۹۵، CFI برابر با ۰/۹۵، IFI برابر با ۰/۹۵، RMSR برابر با ۰/۰۳ و RMSEA برابر با ۰/۱۹ بود. به‌رغم اینکه GFI، CFI، IFI و RMSR در سطح نقاط برش مطلوب هستند، ولی معناداری خی‌دو، نسبت بالای خی‌دو به درجه آزادی و RMSEA بزرگ‌تر از نقطه برش مطلوب، حاکی از آن است که الگوی پیشنهادی نیاز به اصلاح و بازنگری دارد (میرز و همکاران، ۲۰۰۶). بررسی ضرایب مسیر الگوی اولیه همراه با شاخص‌های اصلاح نشان داد که لازم است بازنگری‌هایی به این شکل در الگو انجام شود: دو مسیر از خودکارآمدی و تاب‌آوری به رضایت از زندگی حذف و چهار مسیر نیز از خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و جهت‌گیری به زندگی به رضایت از زناشویی افزوده شود. این مسیرها، به الگوی نهایی و بازنگری شده مبتنی بر پیشینه پژوهش و شاخص‌های اصلاح افزوده شدند (میرز و همکاران، ۲۰۰۶؛ نلسون و کوپر، ۲۰۰۷؛ یوسف و لوتانز، ۲۰۰۷؛ لوتانز و همکاران، ۲۰۰۷؛ لوتانز و همکاران، ۲۰۰۸). در جدول ۲ نتایج الگوسازی معادله

1. Goodness of Fit Index (GFI)
2. Comparative Fit Index (CFI)
3. Incremental Fit Index (IFI)
4. Root Mean Square of Residual (RMR)
5. Root Mean Square of Error Approximation (RMSEA)
6. Meyers, Gamst & Guarino



ساختاری برای الگوی نهایی و بازنگری شده پژوهش آمده است.

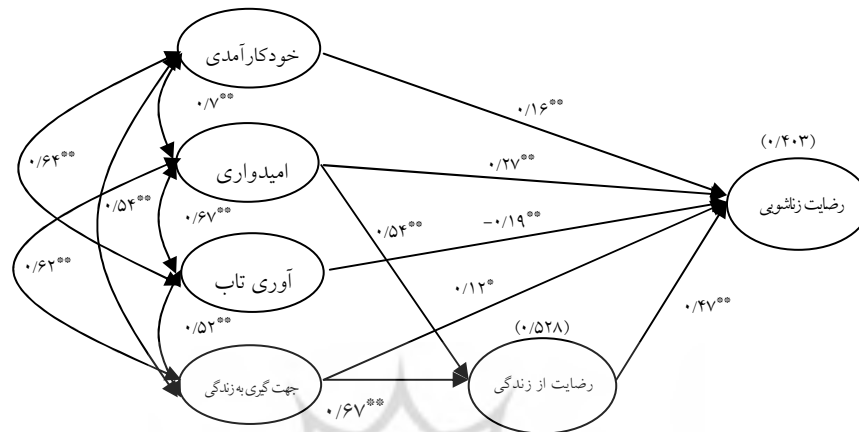
جدول ۲: نتایج حاصل از الگوسازی معادله ساختاری برای الگوی نهایی پژوهش

رابطه متغیرها در الگوی نهایی	β	SE	R^2	χ^2 (df)	$\frac{\chi^2}{df}$	GFI	CFI	IFI	RMSR	RMSEA
۱ امیدواری ← رضایت از زندگی	۰/۹۵	۰/۰۹	۰/۵۴							
۲ جهت‌گیری به زندگی ← رضایت از زندگی	۰/۲۵	۰/۰۱	۰/۱۳	۰/۴۰۳						
۳ رضایت از زندگی ← رضایت زناشویی	۰/۲	۰/۰۲	۰/۴۷							
۴ امیدواری ← رضایت زناشویی	۰/۱۷	۰/۰۵	۰/۲۳	۰/۱۵۸ (۲)	۰/۰۷۹	۱	۱	۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰
۵ تاب‌آوری ← رضایت زناشویی	۰/۱۵	۰/۰۴	-۰/۱۹	۰/۵۲۸						
۶ جهت‌گیری به زندگی ← رضایت زناشویی	۰/۱	۰/۰۴	۰/۱۲							
۷ خودکارآمدی ← رضایت زناشویی	۰/۱۳	۰/۰۵	۰/۱۶							

* $p < 0/05$

** $p < 0/01$

چنان‌که در جدول ۲ مشاهده می‌شود دو متغیر امیدواری و جهت‌گیری به زندگی، به ترتیب با ضریب بتای استاندارد ۰/۵۴، ۰/۱۳، و ۰/۴۰۳ از واریانس رضایت از زندگی را تبیین کرده‌اند. در مرحله بعدی، رضایت از زندگی، امیدواری، تاب‌آوری، جهت‌گیری به زندگی و خودکارآمدی به ترتیب با ضریب بتای استاندارد ۰/۴۷، ۰/۲۳، ۰/۱۹، ۰/۱۲، و ۰/۱۶، ۰/۱۵۸/۸٪ از واریانس رضایت از زندگی را تبیین کرده‌اند. الگوی کلی حاصل از الگوسازی معادله ساختاری در شکل ۲ ارائه شده است. اما شاخص‌های برازش الگوی نهایی (شکل ۲) نیز چنان‌که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، خوبی دو مدل نهایی برابر با ۰/۱۵۸ و غیرمعنادار ($p < 0/05$)، نسبت خوبی دو به درجه آزادی برابر با ۰/۰۷۹، GFI برابر با ۱، CFI برابر با ۱، IFI برابر با ۱، RMSR برابر با ۰/۰۰۲ و RMSEA برابر با صفر است. در شکل ۲ الگوی نهایی و بازنگری شده ارائه شده است.



شکل ۲: الگوی ساختاری نهایی و اصلاح‌شده پژوهش از رابطه بین متغیرها

چنان‌که در شکل ۲ دیده می‌شود، دو مؤلفه امیدواری و جهت‌گیری به زندگی علاوه بر رابطه مستقیم با رضایت زناشویی، از طریق رضایت از زندگی نیز با رضایت زناشویی رابطه برقرار می‌کنند. به همین دلیل درباره این دو مؤلفه از سرمایه روان‌شناختی، اثرات غیرمستقیم مطرح می‌شوند که لازم است این اثرات مشخص شوند. در جدول ۳، اثرات غیرمستقیم امیدواری و جهت‌گیری به زندگی از طریق رضایت از زندگی ارائه شده است.

جدول ۳: اثرات غیرمستقیم و مستقیم مدل نهایی پژوهش در حالت استاندارد و غیراستاندارد

ردیف	اثرات غیرمستقیم	رضایت زناشویی	غیراستاندارد استاندارد
۱	اثر غیرمستقیم امیدواری بر رضایت زناشویی از طریق رضایت از زندگی	۰/۱۲ ^{**}	۰/۱ ^{**}
۲	اثر غیرمستقیم جهت‌گیری به زندگی بر رضایت زناشویی از طریق رضایت از زندگی	۰/۲۳ ^{**}	۰/۱۷ ^{**}

** $p < 0/05$

چنان‌که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، اثرات غیرمستقیم امیدواری بر رضایت زناشویی از طریق رضایت از زندگی به صورت غیراستاندارد برابر با ۰/۱ و به صورت استاندارد برابر با ۰/۱۲ است. همچنین اثرات غیرمستقیم جهت‌گیری به زندگی بر رضایت زناشویی از طریق



رضایت از زندگی به صورت غیراستاندارد برابر با ۰/۱۷ و به صورت استاندارد برابر با ۰/۲۳ است. این ضریب براساس منابع موجود بر مبنای آزمون بوث استرپ (میرز و همکاران، ۲۰۰۶) در سطح $P < 0/01$ (اغلب ضرایب بیش از ۰/۰۸ در سطح $P < 0/01$) معنادار هستند. بررسی اثرات واسطه‌ای نیز حاکی از آن بود که رضایت از زندگی متغیر واسطه‌ای پاره‌ای^۱ در رابطه امیدواری و جهت‌گیری به زندگی با رضایت زناشویی است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش که با هدف بررسی الگوی ساختاری رابطه مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی با رضایت از زندگی و رضایت زناشویی اجرا شد، در سطح همبستگی‌های ساده نشان داد که خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و جهت‌گیری به زندگی با رضایت از زندگی و رضایت زناشویی دارای رابطه مثبت و معنادار هستند. این نتایج در راستای ایده‌های مطرح در نظریه منابع روان‌شناختی است که طی آن گفته می‌شود، مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی در انسان‌ها این ظرفیت را ایجاد می‌کنند تا سطح شادکامی، رضایت و موفقیت را تحت تأثیر قرار دهند (هابوفول، ۲۰۰۲؛ لوتانز و همکاران، ۲۰۰۷). همچنین یافته‌های حاصل از این پژوهش با یافته‌ها و اشارات پژوهشگرانی چون رنشو و همکاران (۲۰۱۰)، دلچ و همکاران (۲۰۱۰)، اوی و همکاران (۲۰۱۰) و یوکول-گانبرون (۲۰۱۲) که نشان داده‌اند هریک از مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی زمینه‌سازهای رضایت از ابعاد مختلف زندگی نظیر رضایت شغلی، رضایت از زندگی و رضایت از روابط اجتماعی هستند همسویی نشان می‌دهد.

نتایج حاصل از الگوسازی معادله ساختاری نشان داد که بین چهار مؤلفه خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و جهت‌گیری به زندگی با رضایت از زندگی و سپس با رضایت از زناشویی الگوی ارتباطی همزمان وجود دارد. در قسمت اول الگو، بر خلاف آنچه که در الگوی مفهومی اولیه پیش‌بینی شد (شکل ۱ را نگاه کنید)، فقط دو مؤلفه امیدواری و جهت‌گیری به زندگی با رضایت از زندگی دارای رابطه معنادار بودند. در تبیین این بخش از یافته‌ها می‌توان گفت که امیدواری یک سازه شناختی-انگیزشی است که از تعامل سه مؤلفه اصلی هدف‌گذاری، کارگزاری (عاملیت) و گذرگاه (توانایی چاره‌جویی) تشکیل شده و با

مؤقتی دارای رابطه است. به گونه‌ای که مؤقتی در دست‌یابی به اهداف، هیجان‌های مثبت و شکست در آن، هیجان‌های منفی ایجاد می‌کند. در درجه بعدی نقش جهت‌گیری به زندگی برای رضایت از زندگی است. در جهت‌گیری به زندگی، مثبت‌نگری (خوش‌بینی) و منفی‌نگری (بدبینی) مطرح هستند (مک‌گی، ۲۰۱۱). در درجه اول خوش‌بینی و بدبینی بر چگونگی سازگاری افراد با حوادث زندگی و بر انتظارات ذهنی افراد در هنگام مواجهه با مشکلات و بر رفتار آن‌ها هنگام غلبه بر مشکلات تأثیر می‌گذارند (مک‌گی، ۲۰۱۱). از آنجایی که خوش‌بینی و بدبینی به عنوان انتظار نتایج فراگیر مثبت و منفی تلقی می‌شوند، می‌توانند از تعیین‌کننده‌های مهم رضایت از زندگی باشند (بایرامی و همکاران، ۲۰۱۲). این نکته نیز لازم به ذکر است که نقش امیدواری و جهت‌گیری به زندگی برای رضایت از زندگی با این ایده و نظر که رضایت از زندگی بخشی مبتنی بر هیجان‌های مثبت مرتبط با بهزیستی است، همسویی نشان می‌دهد (داینر و همکاران، ۱۹۸۵). نکته بعدی جالب توجه نبود رابطه معنادار بین خودکارآمدی و تاب‌آوری با رضایت از زندگی در الگوی نهایی و بازنگری شده پژوهش حاضر بود. بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش، بسیار احتمال می‌رود که رضایت از زندگی در همسران جانبازان پدیده‌ای امیدمحور و دارای اثرپذیری از سبک‌های تبیینی مثبت یا منفی افراد باشد. از چنین منظری احتمال می‌رود که خودکارآمدی و تاب‌آوری با رضایت از زندگی در همسران ایثارگران دارای رابطه نباشد. به این دلیل وقتی به واریانس تبیین‌شده رضایت از زندگی از طریق امیدواری و جهت‌گیری به زندگی (۵۲/۸٪) توجه شود به‌طور جدی تقویت می‌شود.

بخش دوم روابط که در الگوی نهایی پژوهش حاضر به دست آمد، مربوط به رابطه چهار مؤلفه خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و جهت‌گیری به زندگی در کنار رضایت از زندگی با رضایت زناشویی بود. چنان که در شکل ۲ مشخص است، رضایت از زندگی در کنار چهار مؤلفه سرمایه روان‌شناختی دارای بالاترین ضریب استاندارد برای رضایت زناشویی است. به این معنی که کماکان رضایت از زندگی بیشترین سهم را در تبیین رضایت زناشویی داشته است. در عین حال رضایت از زندگی واسطه پاره‌ای برای رابطه بین امیدواری و جهت‌گیری به زندگی با رضایت زناشویی است. این دو یافته حاکی از آن است که رضایت از زندگی پس از تقویت از طریق امیدواری و جهت‌گیری به زندگی، اثرات مثبت تقویت شده خود را به رضایت از زناشویی گسترش داده و سرریز می‌کند. این سرریزشدگی اثر رضایت از زندگی به



رضایت زناشویی با این تبیین و دیدگاه مطرح شده در نظریه منابع روان‌شناختی که طی آن گفته می‌شود سازه‌های مثبت منبعی پایه، محوری و بسط‌پذیر هستند که در تمامی لحظات با فرد برای عمل در موقعیت‌های مختلف همراهی می‌کنند و سپس احساس شادکامی، رضایت و موفقیت را در افراد شکل می‌دهند (هابوفول، ۲۰۰۲) همسویی نشان می‌دهد. بسیار احتمال می‌رود منابع روان‌شناختی مثبت‌گرای کلان نظیر رضایت از زندگی از اصل سرریزشدگی اثر به حیطه‌های خرد یا جزئی‌تر پیروی کنند. به زبانی ساده‌تر می‌توان گفت که رضایت از زندگی خود در کنار خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و جهت‌گیری به زندگی، یک منبع روان‌شناختی مثبت کلان است که دارای نقش واسطه‌ای پاره‌ای یا کامل برای سازه‌های مثبت انگیزشی، هیجانی و شناختی (خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و جهت‌گیری به زندگی) و دارای توان سرریزشدگی اثر مثبت بر رضایت از عرصه‌های مختلف زندگی نظیر رضایت از شغل، خانواده و همسر است. چنین متغیرهایی را با احتمال زیاد می‌توان در پژوهش‌های آینده منابع روان‌شناختی مثبت واسطه‌ای با اثر سرریزشدگی خرد در نظر گرفت.

نظریه پردازان مطرح در عرصه سرمایه روان‌شناختی و مؤلفه‌های آن (لارسن و لوتانز، ۲۰۰۶؛ نلسون و کوپر، ۲۰۰۷؛ یوسف و لوتانز، ۲۰۰۷؛ لوتانز و همکاران، ۲۰۰۷؛ لوتانز و همکاران، ۲۰۰۸؛ رنشو و همکاران، ۲۰۱۰؛ و دلیج و همکاران، ۲۰۱۰) با تأکید بر روی‌آوری انسان به اندوخته‌ها و ظرفیت‌های بالقوه‌ای که در صورت تمرکز بر آن‌ها به صورت بالفعل در خواهند آمد، نگرشی انسان‌گرایانه را برای بهبود و تعالی زندگی انسان، وجهه تلاش‌های خود قرار داده‌اند. از این چشم‌انداز، یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که چنین نگرش مثبتی به ظرفیت‌های روان‌شناختی انسان دارای نقش شایان‌توجهی برای زندگی مشترک و رضایت زناشویی است. به بیانی دیگر، خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و جهت‌گیری به زندگی هر یک دارای کارکردهای عاطفی و شناختی متعددی هستند، که یکی از این کارکردها تقویت مستقیم رضایت زناشویی است. به‌چنین کارکردی برای مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی تاکنون چندان توجه نشده است. گستره وسیعی از مطالعات بر روی خانواده‌ها و افراد نشان داده که افراد دارای سرمایه روان‌شناختی بالا نه تنها در برابر مشکلات مقاومت و پشت‌کار بیشتری به خرج می‌دهند، بلکه به دلیل یک فضای عاطفی-شناختی مثبت ذهنی، اغلب راه‌حل‌های سازنده‌تری را نیز برای حل مشکلات پی‌جویی و به مرحله اجرا در می‌آورند. آن‌ها

همچنین نسبت به آنچه در اثر تلاش نصیب آن‌ها شده دیدگاه مثبتی دارند (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۸؛ رنشو و همکاران، ۲۰۱۰؛ دلیج و همکاران، ۲۰۱۰). از چنین منظری می‌توان گفت که وقتی خودکارآمدی در کنار امیدواری در فرد در سطح بالایی است به دلیل احساس توانمندی و انتظار نتایج و پیامدهای مثبت، رضایت زناشویی به نحو مطلوب‌تری در روابط همسران ایثارگران و آن‌ها پدیدار خواهد شد. همچنین وقتی امیدواری در کنار جهت‌گیری مثبت به زندگی (خوش‌بینی) در همسران ایثارگران در حد بالایی است، رضایت زناشویی ارتقاء خواهد یافت.

از نظر کاربردی بنیاد شهید می‌تواند در امکانات و تسهیلات مشاوره‌ای که برای خانواده‌های ایثارگران فراهم می‌کند، آموزش‌های معطوف به سرمایه روان‌شناختی را از طریق مشاوران خود یا از طریق کارگاه‌های آموزشی به مرحله اجرا در آورد. تفسیر یافته‌های این پژوهش باید در سایه توجه به محدودیت‌های آن شامل محدود بودن نمونه به همسران ایثارگران و احتیاط در تفسیر علت و معلولی از نتایج توجه شود. در سایه توجه به این محدودیت‌ها، پیشنهاد پژوهشی این است که این مطالعه در گروه‌های نمونه پسر و دختر فرزندان ایثارگران با جایگزین کردن متغیرهایی نظیر رضایت از تحصیل، موفقیت در زندگی و عملکرد اجتماعی و تحصیلی تکرار شود. بررسی نقش تعدیل‌کننده متغیرهای شخصیتی در رابطه مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی با رضایت زناشویی نیز از زمره پیشنهادات پژوهشی به پژوهشگران بعدی است.



منابع

- احدی، بتول، نریمانی، محمد، ابوالقاسمی، عباس و آسیایی، مریم (۱۳۸۸). بررسی ارتباط هوش هیجانی، سبک اسناد و خود کارآمدی با رضایت از زندگی در زنان شاغل. *مطالعات تربیتی و روان شناسی*، ۱۰ (۱): ۱۱۷-۱۲۷.
- امان الهی، عباس، اصلانی، خالد، تشکر، هاجر، غوابش، سعاد و نکویی، سمیه (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی عاشقانه و عشق با رضایت زناشویی. *مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان*، ۱۰ (۳): ۸۶-۶۷.
- بخشایش، علیرضا و مرتضوی، مهناز (۱۳۸۸). رابطه رضایت جنسی، سلامت عمومی و رضایت زناشویی در زوجین. *روانشناسی کاربردی*، ۳ (۱۲/۴): ۷۴-۸۵.
- بیانی، علی اصغر، کوچکی عاشور، محمد و گودرزی، حسنیه (۱۳۸۶). اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی (SWLS). *فصلنامه روان‌شناسی تحولی*، ۳ (۱۱): ۲۶۵-۲۵۹.
- پورافشار، صدیقه اعظم، احمدی نوده، خدابخش و الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۸). بررسی میزان PTSD ثانوی و رضایت زناشویی در بین همسران جانبازان مبتلا به PTSD. *روانشناسی نظامی*، ۱ (۱): ۶۷-۷۶.
- حسن زاده، رمضان (۱۳۸۱). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. چاپ اول، تهران: ساوالان.
- حمید، نجمه (۱۳۸۹). رابطه میان سخت‌رویی روان‌شناختی، رضایت از زندگی و امید با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر پیش‌دانشگاهی. *روان‌شناسی کاربردی*، ۴ (۴ / ۱۶): ۱۱۶-۱۰۱.
- سلیمانیان، علی اکبر (۱۳۷۳). بررسی تأثیرات تفکرات غیرمنطقی بر اساس رویکرد شناختی بر رضایت زناشویی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم، تهران*.
- سلیمانیان، علی اکبر و فیرزآبادی، عباس (۱۳۹۰). اثربخشی روش تفصیل دورنماهای مثبت (EPOS) مبتنی بر کاهش تعارض اهداف بر رضایت از زندگی. *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۶ (۲۲): ۷۰-۵۷.
- سلیمانیان، علی اکبر و محمدی، اکرم (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی.

پژوهشنامه تربیتی، ۵(۱۹): ۱۵۰-۱۳۱.

فریش، مایکل، بی (۱۳۸۹). روان‌درمانی مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی. برگردان اکرم‌خمسه. چاپ اول. تهران: ارجمند.

فهیمی، رضا (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین میزان رضایت زناشویی والدین و میزان افسردگی نوجوانان آن‌ها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم (خوارزمی)، تهران.

قلی‌زاده، زلیخا، برزگری، لیلی،، غریبی، حسن و باباپورخیرالدین، جلیل (۱۳۸۹). بررسی رابطه پنج عامل شخصیتی NEO-FFI با رضایت زناشویی. دانش‌سور رفتار، ۱۷(۴۳): ۵۷-۶۶.

کار، آلن (۱۳۸۵). روان‌شناسی مثبت (علم شادمانی و نیرومندی‌های انسان). برگردان حسن پاشا شریفی، جعفر نجفی زند و باقر ثنایی. چاپ اول. تهران: سخن.

گل‌پرور، محسن (۱۳۹۰). اعتباریابی و آماده سازی اولیه پرسشنامه ۲۶ سؤالی سرمایه روان-شناختی. دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان. مقاله منتشر نشده.

موسوی‌زاده، آزاده، سهرابی، فرامرز، احدی، حسن (۱۳۹۱). مقایسه اثربخشی آموزش ابراز وجود و مهارت حل مسئله بر میزان رضایت زناشویی زنان دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی. مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان، ۱۰(۲)، ۸۵-۱۰۸.

ناطقیان، سمانه، ملازاده، جواد،، گودرزی، محمدعلی و رحیمی، چنگیز (۱۳۸۷). بخشایش و رضایت‌زناشویی در مردان مبتلا به اختلال استرس پس از ضربه‌ی ناشی از جنگ و همسران آن‌ها. اصول بهداشت روانی، ۱۰(۳۷): ۳۳-۴۶.

Avey, J.M., Luthans, F., & Jensen, S.M. (2009). Psychological capital: A positive resource for combating employee stress and turnover. *Human Resource Management*, 48: 677-693.

Avey, J.B., Luthans, F., Smith, R.M. & Palmer, N.F. (2010). Impact of positive psychological capital on employee well-being over time. *Journal of Occupational Health Psychology*, 15(1): 17-28.

Avey, J.B., Luthans, F., & Youssef, C.M. (2010). The additive value of positive psychological capital in predicting work attitudes and behaviors. *Journal of Management*, 36: 430-452.

Bandura, A. (2008). An agentic perspective on positive psychology. In S. J. Lopez (Ed.), *Positive psychology: Exploring the best in people* (Vol. 1, pp. 167-196). Westport, CT: Greenwood Publishing.

Bayrami, M., Hashemi, N. A. T., Alizadeh, G. J., Daneshfar, S.h., Heshmati, R.,

- & Moslemifar, M. (2012). The role of positive and negative affectivity, optimism, pessimism, and information processing styles in student psychological adjustment. *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 46: 306-310.
- Delahaij , A., Gaillard , C., & Van Dam , P. (2010). Hope and hardiness as related to Life satisfaction. *The Journal of Positive Psychology* ,3 (8): 171-179.
- Diener, E., Emmons, R., Larsen, J., & Griffin, S. (1985). The Satisfaction with Life Scale. *Journal of Personality Assessment* ,49(1): 71-75.
- Diener, E., Suh, E.M., & Lucas, R.E. (1999). Subjective well-being: three decades of progress. *Psychological Bulletin* ,125: 276-302.
- Hobfoll, S. (2002). Social and psychological resources and adaptation. *Review of General Psychology* ,6: 307-324.
- Larson, M., & Luthans, F. (2006). Potential added value of psychological capital in predicting work attitudes. *Journal of Leadership and Organizational Studies* ,13: 44-61.
- Luthans, F., Avey, J.B., & Patera, J.L. (2008). Experimental analysis of a web-based intervention to develop positive psychological capital. *Academy of Management Learning and Education* ,7: 209-221.
- Luthans, F., & Avolio, B. J., Avey, J. B., & Norman, S. M. (2007). Psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfaction. *Personnel Psychology* ,60: 541-572.
- Mac Gee, E.A. (2011). An examination of the stability of positive psychological capital using frequency-based measurement. *PhD Dissertation, University of Tennessee*. [http:// trace.tennessee.edu/atk-graddiss/999](http://trace.tennessee.edu/atk-graddiss/999).
- Meyers, L.S., Gamst, G., & Guarrino, A.J. (2006). *Applied multivariate research: design and interpretation*. Thousand Oaks, London: SAGE publications.
- Nelson, D., & Cooper, C. L. (Eds.). (2007). *Positive organizational behavior: Accentuating the positive at work*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Onyishi, E. L., Sorokowski, P., Sorokowski, A., & Pipitone, R. N.(2012). Children and marital satisfaction in a non-western sample : Having more children increases marital satisfaction among the igbo people of Nigeria. *Evolution and Human Behavior* 31: 521-535.
- Peterson, S. J., & Byron, K. (2007). Exploring the role of hope in job performance: Results from four studies. *Journal of Organizational Behavior* 28: 785-803.
- Renshaw, K. D., Blais, R. K., & Smith, T. W.(2010). Components of negative affectivity and marital satisfaction: The importance of actor and partner anger. *Research in Personality* 44 (3): 328-334.
- Seligman, M. E.P. (2002). *Authentic happiness*. New York: Free Press.
- Snyder, C. R., & Lopez, S. (2002). *Handbook of positive psychology*. Oxford: Oxford University Press.

- Ucol-Ganiron, T. (2012). The additive value of psychological capital in predicting structural project success and life satisfaction of structural engineers. *International Journal of Social Science and Humanity*, 4(2): 291-295.
- Youssef, C. M., & Luthans, F. (2007). Positive organizational behavior in the workplace: The impact of hope, optimism, and resiliency. *Journal of Management*, 33: 774-800.





نویسندگان

drmngolparvar@gmail.com

محسن گل‌پرور

دانشیار گروه روان‌شناسی صنعتی و سازمانی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان) دانش‌آموخته دکترای روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۸۳
 علایق و جهت‌گیری تحقیقاتی وی معطوف به مسائل اخلاق و عدالت همراه با روان‌شناسی مثبت‌نگر در محیط‌های کاری و زندگی است. از او تاکنون مقالاتی در حوزه‌های یادشده به زبان فارسی و انگلیسی به چاپ رسیده است.

ghasemi.maryam15@yahoo.com

مریم قاسمی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی
 دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، ۱۳۹۱
 علایق تحقیقاتی او معطوف به رویه‌های بهبود و ارتقاء زندگی زنان، به ویژه زنان گروه‌های خاص است.

mmosahebi@khuisf.ac.ir

محمد رضا مصاحبی

مریبه گروه روان‌شناسی صنعتی و سازمانی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)
 دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد واحد تهران، ۱۳۶۸
 علایق تحقیقاتی او معطوف به مسائل سنجش و اندازه‌گیری ویژگی‌های روانی - شخصیتی در گروه‌های سنی مختلف است. از او تاکنون بیش از ۱۰ مقاله به چاپ رسیده است.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی